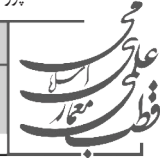


## تبیین مقیاس و مدل کلی محله متشکل از واحدهای همسایگی از منظر اسلامی



**محمدمنان رئیسی \***

دانشیار معماری دانشگاه قم (نویسنده‌ی مسئول)

**فاطمه محمدعلی نژاد \*\***

مریی گروه مهندسی معماری، دانشگاه شهید چمران اهواز

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۳/۱۲

### چکیده

یکی از اصول مهم معماری و شهرسازی اسلامی، اصل محله‌محوری است که عدم توجه به این مهم، سبب بروز مسائل مختلفی در نظام اجتماعی کالبدی شهرهای معاصر ایران اعم از افزایش بار ترافیکی شهر به دلیل مراجعات فرامحلی و مسائل زیست‌محیطی حاصل از آن و غیره شده است. لازمه حل این مسائل، احیای مجدد اصل محله‌محوری در شهرهای معاصر است؛ اما مقدمه این مهم، تبیین چستی محله از منظر اسلامی است که بخشی از این موضوع، به تبیین شاخصه‌های عددی محله و به ویژه مساحت آن مربوط می‌شود. در این پژوهش با استفاده از روش استدلال منطقی و با استناد به متون و منابع دینی، سعی بر استنباط الگوی مطلوب معماری محله بر اساس حداکثر اندازه مطلوب آن از منظر اسلامی است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، یک محله مطلوب از منظر اسلامی محله‌ای است با مرکزیت مسجد محله با حداکثر ۱۶۰ پلاک مسکونی در چهار سمت مسجد (در هر سمت حداکثر تا ۴۰ پلاک و در قالب یک واحد همسایگی)، با حداکثر مساحت تقریبی ۲۰ هکتار و حداکثر تراکم ناخالص مسکونی ۸۰ نفر در هکتار.

**واژه‌های کلیدی:** محله اسلامی، محله‌محوری، شاخصه‌های عددی محله، متون دینی، مسجد.

## ۱. مقدمه

ممکن است طی یک بررسی سطحی و اولیه در متون دست اول دینی (آیات و روایات)، این طور به ذهن متبادر شود که اسلام به جز مسائل عبادی و اعتقادی، در خصوص سایر مسائل (اعم از اجتماعی و اقتصادی و کالبدی و غیره) به کلی صامت است و مسائلی نظیر چستی نظام کالبدی محله و شاخصه‌های عددی آن را به کلی به عقل بشر واگذار کرده است. اما با بررسی دقیق‌تر مشخص می‌شود که اسلام در علوم مختلف، کلیات را بیان نموده و استنباط جزئیات از کلیات را به عقل بشر واگذار کرده است<sup>۱</sup>. با توجه به اینکه نظام کالبدی محله و شاخصه‌های عددی حاصل از آن بر بسیاری از مسائل مهم دیگر نظیر کیفیت روابط همسایگی، حقوق شهروندی، عدالت اجتماعی و فضایی در مقیاس محله و غیره - که همگی از مسائل مهم و مطرح در متون دینی می‌باشند- تأثیرگذار است؛ لذا به نظر می‌رسد که ادعای سکوت اسلام در خصوص نظام کالبدی محله، ناشی از سطحی‌نگری است و چنانچه متون دینی مورد تعمق قرار گیرد می‌توان از آنها یافته‌های مهمی را در این خصوص استنتاج نمود. به ویژه آنکه در متون دینی، به صراحت به مومنین توصیه شده است که در همه‌ی رفتارها و روش‌های خود برای مسائل مختلف زندگی، چارچوب‌ها و الگوهای فرهنگی مختص به خود را داشته باشند و از سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها پیروی و تقلید ننمایند<sup>۲</sup>. پس لازم است با تعمق بر متون دست اول دینی مشخص شود که چه ساختار و نظام کالبدی و بالتبع، شاخصه‌های عددی را می‌توان برای معماری محله مطابق با سبک زندگی اسلامی استنباط نمود.

در این مقاله برای تبیین کلیت نظام کالبدی محله و شاخصه‌های عددی آن، در مقام گردآوری داده‌ها از روش مطالعات اسنادی-کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است؛ به این ترتیب که با جستجوی موضوعی در متون دست اول دینی (شامل آیات و روایات)، گزاره‌هایی که با مسئله‌ی این پژوهش ارتباط دارند مورد ژرفکاوی قرار گرفته‌اند. در گام بعد (در مقام تحلیل و داوری داده‌ها) جهت تحلیل گزاره‌ها و استنتاج شاخصه‌های عددی محله از منظر اسلامی، یافته‌های پژوهش با استفاده از روش استدلال منطقی، استنباط شده‌اند.

## ۲. پیشینه تحقیق

مسئله‌ی نظام کالبدی محله اسلامی تاکنون در مقالات و پژوهش‌های مختلف از سوی برخی از اساتید و اندیشمندان مورد بررسی قرار گرفته است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به مقاله‌ای با عنوان «الگوی پیشنهادی محله با مرکزیت مسجد و فضاهای عمومی مورد نیاز در شهر ایرانی اسلامی» (پورجعفر و پورجعفر ۱۳۹۱) و همچنین مقاله‌ای با عنوان «انواع شهر اسلامی و اشاراتی به نحوه شاخص سازی در راستای شهر آرمانی اسلامی» (پورجعفر و دیگران ۱۳۹۴) اشاره نمود. در این دو مقاله با استناد به برخی متون دینی، به ویژه روایات مربوط به حدود همسایگی مسجد، الگوی کالبدی مشخصی با محوریت مسجد برای محله اسلامی ارائه شده است. پژوهش مشابه دیگری که با روش مشابه و با استناد به روایات و متون دینی به ارائه الگوی کالبدی محله اقدام نموده است تألیفی است با عنوان «تحقق‌پذیری هویت در معماری و شهرسازی با تأکید بر ارتقای هویت اسلامی ایرانی در شهرهای جدید» (نقره‌کار و علی‌الحسابی ۱۳۹۶) که در آن علاوه بر تبیین کلیات کالبدی شهر اسلامی، برخی جزئیات کالبدی محله (به‌عنوان سلول بنیادی شهر اسلامی) نیز تبیین شده است. در مقاله «الگوی پیشنهادی معماری محله اسلامی ایرانی بر مبنای مدل نگره‌های زندگی‌ساز حکمت اسلامی» (ذوالفقارزاده و دیگران ۱۳۹۸، ۳۳-۵۹) نیز به ترسیم الگوی کالبدی محله اسلامی با استناد به منابع نقلی اسلام اهتمام شده است که نتایج کلی آن به جز تفاوت در برخی جزئیات کالبدی، تا حدودی شبیه به موارد قبل است. رهنما و دیگران نیز در مقاله خود با عنوان «تجلی هویت اسلامی در طراحی محلات جدید بر اساس مولفه‌های اسلامی» به ارزیابی محله امامیه غربی شهر مشهد بر اساس الگوی محله اسلامی پرداخته‌اند (رهنما و دیگران ۱۳۹۵، ۴۷-۵۶). اما تفاوت مقاله مذکور با پژوهش‌های قبلی در این است که رهنما و همکارانش در این مقاله، الگوی پیشنهادی برای محله اسلامی را عمدتاً با رویکردی توصیفی و نوشتاری ارائه نموده‌اند و پژوهش آنها منتج به ترسیمات کالبدی نشده است. نقی‌زاده نیز یکی دیگر از محققانی است که در خصوص شهر و محله اسلامی، تألیفات و مقالات متعددی نگاشته است. ایشان در مقاله‌ای با عنوان «تجلی عدالت اجتماعی در ساختار شهر اسلامی (محله)» به تبیین جایگاه عدالت اجتماعی در ساختار شهر اسلامی و لزوم توجه توأمان به



را در محلات و بافت‌های مسکونی مورد بحث قرار داده‌اند و در نتایج این پژوهش نشان داده‌اند که در انتخاب و طراحی سایت برای مسجد، حوزه‌های نفوذ فضای مسجد با حفظ سلسله‌مراتب فضا حائز اهمیت است؛ به نحوی که توجه به عدالت اجتماعی در توزیع جغرافیایی مساجد در بافت‌های مسکونی الزامی است.

اما تمایز مهم مقاله حاضر با پژوهش‌های یادشده که وجه بداعت و نوآورانه این پژوهش را نیز تشکیل می‌دهد؛ در کیفیت استنباط از متون و منابع دینی است که سبب شده است دلالت‌های جدیدی برای روایات مربوط به الگوی معماری محله در این مقاله کشف و ارائه شود؛ به بیان دیگر، این مقاله همانند مقالات و پژوهش‌های یادشده، در بخش مبانی و نیز منابع، مبتنی بر آموزه‌ها و متون روایی است اما در مرحله استنباط دلالت‌های حاصل از این مبانی و منابع، تمایزاتی با سایر پژوهش‌های مشابه دارد که همین امر، وجه بداعت این مقاله را تشکیل می‌دهد و این بداعت، منتج به ترسیم الگوی کالبدی جدیدی برای معماری محله اسلامی شده است. در ادامه، طی جدول ۱، برخی از مهمترین الگوهای کالبدی محله اسلامی که تاکنون توسط سایر اندیشمندان ترسیم شده است؛ ارائه گردیده است.

سه وجه شهروندان، کالبد شهر و مدیریت شهری پرداخته است؛ و بیان داشته که محله به عنوان ساختار اصلی شهر اسلامی، می‌تواند با رعایت عدالت فردی و اجتماعی بین ساکنان محله و رعایت حقوق قانونی آنها و همچنین رعایت مفاهیم تعادل و توازن در اجزا و فضاهای محله، زمینه‌های تحقق عدالت اجتماعی را در خود مهیا سازد (رحیمی و نقی‌زاده ۱۳۹۵، ۱۳).

در خصوص این موضوع، برخی از اندیشمندان اهل تسنن از سایر کشورها نیز پژوهش‌های قابل توجهی را ارائه نموده‌اند. حکیم<sup>۳</sup> (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «طراحی آزمون همسایگی بر اساس نمونه‌های تاریخی» به بررسی امکان بازسازی کیفیت مطلوب محیط‌های سنتی در عصر حاضر پرداخته است و نشان داده است که الگوهای سنتی محله‌هایی که از منظر گونه‌شناسی در آن، مسکن دارای حیات مرکزی مولد اولیه بافت محله بوده است؛ می‌تواند در ایجاد الگوی سکونت معاصر مورد استفاده قرار گیرد به گونه‌ای که برای یک مرکز اجتماع شامل حدود ۲۴ واحد مسکونی در هکتار، مناسب می‌باشد.

گازی<sup>۴</sup> و دیگران (۲۰۱۲) نیز در مقاله‌ای با عنوان «موقعیت مساجد در شهرهای اسلامی و طراحی موقعیت آن در شهر جدید» تأثیر مساجد را در رشد و توسعه شهرها و محله‌های معنوی و همچنین اهمیت مکان و توزیع جغرافیایی مساجد

جدول ۱. پیشینه تحقیق در خصوص الگوهای ارائه شده برای معماری مطلوب محله اسلامی (مأخذ: نگارندگان)

مؤلف	عنوان پژوهش	الگوی پیشنهادی
بورجعفر و دیگران	الگوی پیشنهادی محله با مرکزیت مسجد و فضاهای عمومی مورد نیاز در شهر ایرانی اسلامی	





	<p>الگوی پیشنهادی معماری محله اسلامی ایرانی بر مبنای مدل نگره‌های زندگی‌ساز حکمت اسلامی</p>	<p>ذوالفقارزاده و دیگران</p>
	<p>تحقق‌پذیری هویت در معماری و شهرسازی با تأکید بر ارتقای هویت اسلامی ایرانی در شهرهای جدید</p>	<p>نقره‌کار و علی‌الحسابی</p>

از خود نشان می‌دهد (جوادی آملی ۱۳۷۵، ۲۰۰). به این ترتیب، در نظام کالبدی محله، آنگاه مفهوم عدالت، تجلی حداکثری پیدا می‌کند که اولاً بر مبنای «اعطاء کل ذی حق حقه»، کاربری‌های شهری به تمام نیازهای مشروع انسان‌ها (متناظر با کل ذی حق) پاسخ مناسب و به حق -یعنی به دور از افراط و تفریط- دهند یعنی متناسب با هر نیاز مشروعی، کاربری مشخصی پیش‌بینی شود تا به هر نیاز، پاسخ به حقی اعطا شود؛ ثانیاً بر مبنای «وضع الشیء فی موضعه» هر کاربری در جای مناسب خود، مکان‌یابی شده و در موضع متناسب با خود قرار گیرد تا نظام کالبدی محله، متناسب با سلسله‌مراتب منطقی کاربری‌ها شکل گیرد. بر این اساس، نیازهای انسان و چگونگی پاسخگویی ساختار کالبدی محله به این نیازها، ملاک اصلی برای سنجش تحقق یا عدم تحقق عدالت در این ساختار و بالتبع، شاخص اصلی برای ترسیم نظام کالبدی محله اسلامی است. به بیان دیگر، از یک سو، لازمه تحقق سبک زندگی اسلامی در نظام کالبدی شهر، تأمین اصل عدالت در این نظام است؛ و از سوی دیگر، لازمه‌ی تأمین اصل عدالت در این نظام، پاسخگویی

### ۳. چارچوب نظری

طبق برخی متون دینی و آموزه‌های اسلامی، اصل عدالت‌محوری، ابراصل حاکم بر هنجارها در سبک زندگی اسلامی است و لذا تمام تصمیمات عملی در نظامات کالبدی شهر (اعم از چگونگی سلسله‌مراتب شهری، چگونگی توزیع خدمات شهری و غیره) همگی بایستی بر اساس این اصل اساسی راهبری شوند (رئیس‌ی ۱۳۹۷، ۱۳۴-۱۳۲). این اصل از چنان جایگاهی در متون دینی برخوردار است که در قرآن کریم از آن به عنوان علت و فلسفه‌ی ارسال رسل تعبیر شده است (حدید/۲۵). علاوه بر آیات، در روایات نیز اهمیت عدل به دفعات مورد اشاره قرار گرفته است. حکمای اسلامی برای عدل دو تعریف اصلی بیان کرده‌اند که عبارتند از «وضع الشیء فی موضعه» و «اعطاء کل ذی حق حقه» (رئیس‌ی ۱۳۹۷، ۱۳۳). در عین حال، اگر قرار باشد یک وجه جمع‌ی برای همه تعاریف عدالت بیان شود؛ آن تعریف، وضع شیء در جای خود است و البته این وضع شیء در جای خود به اعتبار اشیاء، متفاوت است؛ به عبارت دیگر عدل، یک مفهوم بیشتر ندارد؛ اما به حسب مصادیق گوناگون، جلوه‌های مختلفی





اصل عدالت در معماری محله است. در ادامه، چگونگی کم و کیف تحقق این مهم، مورد بحث قرار می‌گیرد. به دلیل اصالت و برتری نیازهای معنوی انسان در مقایسه با نیازهای مادی او (اعراف/۱۷۹)، کالبدهای متناظر با نیازهای معنوی انسان - که مصداق بارز آن مسجد است - بایستی در سلسله‌مراتب بالاتری در مقایسه با کالبدهای متناظر با نیازهای مادی او در محله مکان‌یابی شوند. مطالعه سیره معصومین (ع) شواهد قابل توجهی را در این خصوص به دست می‌دهد. برای مثال، چنین نقل شده است که به هنگام توسعه مدینه‌النبی، پیامبر اکرم (ص) عرض راه مسجد را ده گز قرار داد و آنگاه فرمود که سایر راه‌ها را هفت گز عرض دهند (عاملی ۱۳۹۱، ۱۰۷). در جای دیگری چنین نقل شده است که ایشان ابتدا موقعیت مسجد را مشخص کردند و آنگاه خانه‌ها را گرداگرد آن طرح‌ریزی نمودند (همان، ۱۸۳) که از این اسناد، چنین استنباط می‌شود که مسجد بایستی در سلسله‌مراتب بالاتری نسبت به سایر کاربری‌ها قرار گیرد و سایر عناصر و اجزای محله بایستی حول مسجد سازماندهی شوند؛ زیرا صرفاً در این صورت است که عریض‌تر ساختن راه مسجد در مقایسه با سایر راه‌ها و یا احداث خانه‌ها به گرد مسجد، منطبق موجهی می‌یابد.

از سوی دیگر، چنانچه مرکزیت محله به مسجد اختصاص نیابد؛ نظام کالبدی آن، نظام عادلانه‌ای نخواهد بود؛ زیرا با توجه به تأکید بسیار اسلام بر لزوم حضور متناوب شهروندان در مساجد و ارجحیت اقامه نماز به جماعت در مساجد، اگر مسجد در مرکز محله نباشد آنگاه شهروندان دسترسی عادلانه و متوازی به مهمترین کاربری محله ندارند؛ زیرا برخی از آنها به این کاربری، نزدیک‌تر و برخی دیگر از آن فاصله بیشتری خواهند داشت که این از عدالت به دور است. برای مثال اگر مسجد محله در شمال محله احداث شود؛ ساکنان جنوب محله بایستی فاصله به مراتب بیشتری را برای رسیدن به مسجد طی نمایند که این از عدالت به دور است. البته بدیهی است که به دلیل محدودیت‌های نظام‌های کالبدی و هندسی، در هیچ نوع هندسه‌ای نمی‌توان عدالت را به طور تمام و کمال رعایت نمود زیرا حتی در صورت مکان‌یابی مسجد در مرکز و کانون هندسی محله نیز برخی شهروندان که منزل آنها مجاور مسجد است فاصله کمتری را در مقایسه با دیگران برای رسیدن به مسجد طی می‌نمایند؛ لیکن در عین حال، نزدیک‌ترین حالت به تحقق عدالت، مکان‌یابی مسجد در

منطقی آن به همه‌ی نیازهای مشروع انسان است. در این صورت است که دو مفهوم «اعطاء کل ذی حق حقه» و «وضع الشیء فی موضعه» تحقق می‌یابد و به دنبال آن، عدالت نیز در نظام کالبدی محله، متجلی شده و در نتیجه، بستر تحقق سبک زندگی اسلامی در نظام کالبدی محله، مهیا می‌شود. بر اساس توضیحات فوق، برای تبیین معماری مطلوب محله از منظر اسلامی، لازم است ابتدا نیازهای انسان و مراتب آنها از منظر اسلامی مشخص شود تا سپس بتوان چگونگی معماری متناظر با این نیازها را استنباط نمود.

از منظر اسلامی و طبق روایتی پرمغز از امام علی علیه السلام (مجمع البحرین، جلد ۴، ۱۱۶-۱۱۵)، به تبع چهار نفس انسان که عبارتند از نباتی، حیوانی، قدسی (عقلانی) و الهی (روحانی)، دو دسته نیاز کلی در نوع انسان وجود دارد که عبارتند از مادی و فرامادی. بر این اساس، از آنجا که محله بایستی حتی‌المقدور پاسخگوی همه انواع نیازهای انسان باشد؛ نظام کالبدی محله نیز بایستی هم‌حاوی کاربری‌های متناسب با قوای مادی انسان (قوای نباتی و حیوانی انسان) باشد و هم‌حاوی کاربری‌های متناسب با قوای فرامادی و معنوی او (قوای عقلانی و روحانی انسان). اما مطابق با معارف اسلامی، نیازهای معنوی در مقایسه با نیازهای مادی، در اولویت بالاتری قرار دارند؛ زیرا نفوس متناظر با نیازهای معنوی (نفوس عقلانی و الهی) در مقایسه با نفوس متناظر با نیازهای مادی (نفوس نباتی و حیوانی) در مرتبه بالاتری قرار دارند و دلیل شرافت و برتری انسان بر حیوان نیز در برخورداری از همین نفوس معنوی است که در ادامه نشان داده خواهد شد که این مهم چطور بر معماری محله اسلامی تأثیرگذار است.

#### ۴. بحث و تحلیل

مشخص شد که لازمه‌ی تطبیق نظام کالبدی محله بر سبک زندگی اسلامی، اولاً توجه توأمان این نظام به همه مراتب نیازهای انسان و ثانیاً ایجاد تعادل در توجه به نیازها و برقراری عدالت در ارضای نیازهای مذکور است؛ به نحوی که با استناد به دو تعریف اصلی عدالت - شامل «اعطاء کل ذی حق حقه» و «وضع الشیء فی موضعه» - اولاً حق هر نیاز انسان با تعریف کاربری‌های متناسب با آن نیاز داده شود و ثانیاً هر کاربری در موضع و مکان متناسب با اقتضات و ویژگی‌هایش در ساختار محله مکان‌یابی شود؛ تحقق این دو مهم، به معنای تحقق



مرکز محله است که در چنین شرایطی عدالت به صورت نسبی (در مقایسه با سایر موقعیت‌ها) بیشتر لحاظ شده است. بر همین اساس، اصل مهمی در معماری محله تحت عنوان «اصل مسجد محوری» استنتاج می‌شود. با همان استدلالی که برای مرکزیت مسجد در محله ارائه شد؛ مرکزیت محله بایستی پس از مسجد (به عنوان مهمترین کاربری) به سایر کاربری‌های عمومی اختصاص یابد؛ زیرا اگر کاربری‌های عمومی نظیر مدارس یا مراکز خرید محلی و غیره، به جای موقعیت مرکزی، در قطب‌های شمالی یا جنوبی محله، مکان‌یابی شوند آنگاه دسترسی شهروندان به این کاربری‌ها عادلانه نخواهد بود و برخی بایستی فاصله به مراتب بیشتری را برای رسیدن به این کاربری‌های عمومی طی نمایند که این امر، با عدالت که از مهمترین شاخصه‌های اسلامی است تطبیق ندارد.

اکنون با توجه به توضیحات فوق می‌توان به استنباط حدود کالبدی محله پرداخت. لازمه‌ی استنباط این مهم، تعمق بر دو سند دینی است. سند اول، روایتی است از پیامبر اکرم (ص): «لَا صَلَاةَ لِجَارِ الْمَسْجِدِ إِلَّا فِي مَسْجِدِهِ» (در صورت نداشتن عذر موجه) برای همسایه مسجد، نماز قبول نمی‌شود مگر در مسجد» (شیخ حرّ عاملی ۱۴۰۹ق، ۱۹۴). مشابه این روایت از امام علی (ع) نیز نقل شده است. سند دوم، روایتی است از امام علی (ع) که حدود همسایگی مسجد را مشخص نموده است: «حریم المسجد أربعون ذراعاً، والجوار أربعون داراً من أربعة جوانبها: حریم مسجد چهل ذراع و همسایگان مسجد، چهل خانه از چهار جهت آن هستند» (کافی، جلد ۴، ۷۶۳). مشابه این روایت، احادیث متعدد دیگری نیز نقل شده است که همگی بر عدد چهل برای تعیین حدود همسایگی تصریح کرده‌اند. البته در روایتی دیگر، در خصوص حدود همسایگی مسجد، چنین بیان شده است که همسایه مسجد، هر کسی است که صدای اذان به گوش او برسد: «وَمَنْ جَارَ الْمَسْجِدِ يَأْمُرُ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ مَنْ سَمِعَ النَّدَاءَ؛ وَ چِه كَسِي هَمْسَايِه مسجد است ای امیرمومنان، پس فرمود کسی که ندای اذان را بشنود» (محدث نوری ۱۴۰۸ق، جلد ۳، ۳۵۶). اما این روایت با روایت قبل قابل جمع است؛ زیرا در صدر اسلام که شهرها آلودگی صوتی چندانی نداشتند؛ قاعدتاً ممانعتی برای شنیده شدن صدای اذان تا چهل خانه مجاور مسجد وجود نداشته است. لذا چنین استنباط می‌شود که حدود همسایگی مسجد، همان چهل خانه از چهار جهت است.

پس مشخص شد که اولاً مرکز هر محله مسجد آن است و ثانیاً با استناد به حدود همسایگی مسجد، هر محله شامل چهل باب خانه از اطراف مسجد محله در چهار جهت آن است. زیرا در غیر این صورت، خانه‌هایی را می‌توان تصور نمود که از توصیه به حضور در مسجد، مستثنی شده‌اند که این امر با تأکید ویژه اسلام برای اقامه نماز در مساجد، تطبیق ندارد. برای مثال اگر حد یک محله، به جای چهل خانه، پنجاه خانه از اطراف مسجد محله باشد آنگاه ساکنان ده خانه آخر به دلیل آنکه خارج از حدود همسایگی مسجد هستند؛ از توصیه اکید به اقامه نماز در مسجد مستثنی می‌باشند که این امر، با آموزه‌های اسلامی و توصیه فراگیر به همه شهروندان برای اقامه نماز در مساجد، تطبیق ندارد. بر این اساس، حدود کالبدی محله برابر است با چهل خانه از اطراف مسجد محله در چهار جهت. یعنی یک محله مطابق با سبک زندگی اسلامی عبارت است از مسجد و ارسن عمومی در مرکز و خانه‌هایی که از چهار طرف مسجد حداکثر تا چهل باب را شامل می‌شوند.

اغلب اندیشمندان، با استناد به روایات فوق چنین استنباط کرده‌اند که برای استنباط اندازه شعاع مطلوب محله از منظر اسلامی، بایستی عرض چهل خانه به علاوه عرض معابر میان آنها را جمع کنند تا عدد مربوطه به دست آید (پورجعفر و دیگران ۱۳۹۴، ۱۶). یعنی یک محله عبارت است از یک مسجد در مرکز و شعاع‌های متعددی که از آن به سمت محیط محله خارج می‌شود و روی هر شعاع، تا ۴۰ خانه قرار می‌گیرد؛ اما به نظر می‌رسد که این نوع استنباط به دو دلیل زیر با فحوای روایات یادشده تطبیق کافی ندارد:

- اولاً در متن روایت چنین نقل شده است که «همسایگان مسجد، چهل خانه از چهار جهت آن هستند». روایت به صراحت بر چهار جهت (اربعه جوانبها) تأکید دارد و نه هر جهت (کل جوانبها). این به آن معنا است که اگر از مرکزیت مسجد به جهات اربعه حرکت کنیم، هر جهت (شامل شمال و جنوب و شرق و غرب) بایستی ۴۰ خانه را پوشش دهد و از مجموع آنها، در نهایت ۱۶۰ خانه حاصل شود. در واقع در تفسیر قبل، ۴۰ خانه به صورت خطی و بر روی شعاع محله، از مسجد تا محیط محله در امتداد یکدیگر قرار می‌گرفتند و این موضوع، برای همه شعاع‌های مستخرج از مسجد تکرار می‌شد. اما در این تفسیر،





چهل خانه روی هر شعاع مستخرج از مسجد می‌داند؛ تطبیق بیشتری با قاعده تعریف دارد. زیرا مساحت محدودتر محله، امکان تعریف و شناخت بهتر ساکنان محله از یکدیگر را میسر می‌سازد.

پس مشخص شد که یک محله اسلامی شامل مسجدی در مرکز و حداکثر ۱۶۰ خانه از چهار جهت آن است. اکنون برای برآورد مساحت محله، لازم است اندازه هر پلاک به صورت تقریبی مشخص شود. در این خصوص توجه به دو نکته زیر راهگشا است:

- اولاً لازمه‌ی تطبیق پلاک‌های مسکونی با سبک زندگی اسلامی، درونگرا بودن آنهاست؛ این ادعای مقاله‌ای علمی پژوهشی با موضوع لزوم درونگرایی در مسکن اسلامی با استناد به ادبیات قرآنی و ارائه ادله متعدد، اثبات شده است (رتیسی<sup>۵</sup>، ۲۰۱۹، ۷۳-۸۱).

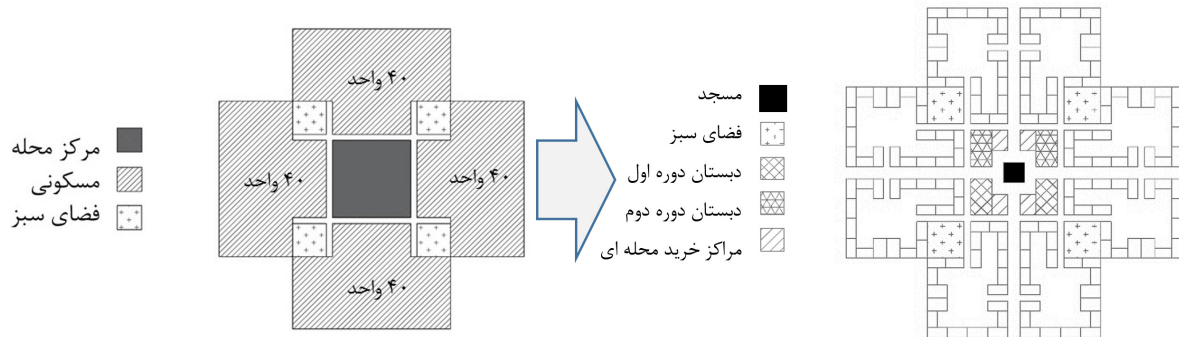
- ثانیاً در سبک زندگی اسلامی، بزرگ در نظر گرفتن اندازه‌های پلاک‌های مسکونی، ارجحیت موکد دارد. این مهم در برخی روایات مورد تصریح قرار گرفته است: «مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ الْمَسْكَنُ الْوَاسِعُ: بزرگی مسکن از سعادت مسلمان است» (کلینی ۱۴۰۷ق، جلد ۵، ۵۲۶).

با توجه به نکات فوق، اولاً عرض و طول هر پلاک مسکونی، باید از اندازه مناسبی برخوردار باشد و ثانیاً باید بین طول و عرض، تناسب مطلوبی برقرار باشد (درخصوص لزوم تناسب طول و عرض می‌توان دو زمین هم اندازه - مثلاً ۳۰۰ متری - که یکی ۲۰×۱۵ است و دیگری ۶×۵۰ است را با یکدیگر مقایسه نمود تا مشخص شود بزرگی مساحت در دومی، به دلیل عدم وجود تناسب مطلوب هندسی میان طول و عرض، کمک‌چندانی به آسایش کاربر آن نخواهد کرد). لذا از آنجا که کاربست الگوی درونگرا (که ارجحیت آنها در پلاک‌های مسکونی از منظر اسلامی، قبلاً در سایر پژوهش‌ها اثبات شده است) در پلاک‌های با عرض کمتر از ۱۵ متر، بسیار دشوار است؛ این عدد به عنوان حداقل عرض پلاک‌های مسکونی، فرض شده است (در پلاک با عرض ۱۵ متر می‌توان ۷ متر را در وسط پلاک به حیاط اختصاص داد و دو طرف آن را نیز به دو فضای با عرض ۴ متر تخصیص داد که این نوع تخصیص فضا در عرض کمتر از ۱۵ متر مقدور نیست؛ زیرا عملاً یکی از وجوه مجاور حیاط و یا خود حیاط، فاقد عرض مطلوب می‌شود).

۴۰ خانه در صفحه و نه خط، گسترش می‌یابند و این موضوع برای چهار جهت اصلی اطراف مسجد و نه کلیه جهات و شعاع‌ها تکرار می‌شود. پس به لحاظ هندسی، تفاوت اصلی این دو تفسیر در این است که در اولی نوع تداوم خانه‌ها، خطی و تک‌بعدی بود؛ اما در دومی صفحه‌ای و دوبعدی است.

- در سبک زندگی اسلامی، قاعده مهمی تحت عنوان «قاعدت تعریف» وجود دارد. این قاعده برگرفته از آیه ۱۳ سوره حجرات است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا: ای مردم، ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آن‌گاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید» (حجرات/ ۱۳). همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این آیه، غایت و دلیل اینکه خدای متعال، مردم را به صورت شعب و قومیت‌های مختلف آفریده است؛ لزوم تعارف (به معنای شناخت) آنها از یکدیگر است. واژه «لِتَعَارَفُوا» در آیه مذکور، ریشه در واژه تعریف دارد که در لغت به معنای شناخت بینابینی و شناخت طرفینی به نحو گسترده است (کشوری ۱۳۹۵، ۱۵۶-۱۵۴). حال اگر معماری محله (به لحاظ وسعت و کاربری‌های واقع در آن) به نحوی باشد که تعریف و شناخت اعضای محله از یکدیگر بیشتر شود آنگاه این شناخت دارای فوایدی است. یکی از فواید شناخت طرفینی گسترده، امنیت و کنترل جرائم از طریق ارتقای مواظبت‌ها و شکل‌گیری خودکنترلی توسط ساکنان محله است. فایده دیگر بهبود روابط انسانی به عنوان مسئله‌ای مهم در شهرسازی اسلامی است که تعریف، زیرساخت آن می‌باشد و گسترش آن، اداره جامعه را به نحو اسلامی تسهیل می‌نماید و سبک زندگی فرد را اسلامی می‌کند (همان). بر این مبنا می‌توان دریافت که جهت دستیابی به محله اسلامی، ارتقای تعریف ساکنان محله ضروری است که این امر، در گروهی محدود در نظر گرفتن مساحت محله است. زیرا هرچه محله بزرگتر باشد؛ تعداد ساکنان آن بیشتر خواهند بود و بالتبع، امکان شناخت و تعریف حداکثری بین ساکنان، کمتر خواهد شد و بدیهی است که در چنین صورتی، ناهنجاری‌ها و معضلات اجتماعی، ظهور و بروز بیشتری در محله خواهد داشت. پس تفسیری که محله را حداکثر شامل ۱۶۰ خانه از چهار جهت مسجد می‌داند (یعنی از هر جهت ۴۰ خانه)، در مقایسه با تفسیری که هر محله را شامل یک مسجد در مرکز و





تصویر ۱. الگوی پیشنهادی برای معماری محله مطلوب از منظر اسلامی (مأخذ: نگارندگان)

مختلف در محله پیش‌بینی شود؛ اما بنابر دلایلی که قبلاً ذکر شد؛ در هیچ‌کدام از این پلاک‌ها، عرض پلاک کمتر از ۱۵ متر در نظر گرفته نشده است. طبق برخی متون دینی و بر اساس برخی پژوهش‌هایی که تاکنون مبتنی بر این متون ارائه شده است؛ در سبک زندگی اسلامی، توسعه عمودی شهر، مطلوبیت ندارد و بین دو نوع الگوی مسکن ویلایی و مسکن آپارتمانی، الگوی اول به مراتب تطبیق بیشتری با سبک زندگی اسلامی دارد؛ و اینبه مسکونی بیش از دو طبقه، مگر در شرایط اضطرار، مطلوبیت شرعی ندارند (رئیس‌ی ۱۳۹۷، ۱۱۵-۸۴). لذا چنین استنباط می‌شود که یک محله اسلامی حداکثر می‌تواند شامل ۳۲۰ خانه باشد (با فرض آنکه همه ۱۶۰ پلاک مسکونی دو طبقه باشند).

- در مرکز محله، یک مسجد با مساحت تقریبی ۹۰۰ مترمربع و چهار مدرسه (دو مورد ابتدایی دوره اول دخترانه و پسرانه و دو مورد ابتدایی دوره دوم دخترانه و پسرانه) هر کدام با مساحت تقریبی ۱۷۰۰ مترمربع (با احتساب فضاهای باز و سالن ورزش و غیره) لحاظ شده است. با توجه به توصیه‌های اسلامی مبنی بر استحباب فرزندآوری بیشتر (ردائی آملی ۱۳۸۵، ۴۸۳)، اگر جمعیت هر خانوار را به طور متوسط ۵ نفر در نظر بگیریم؛ آنگاه با فرض آنکه همه ۱۶۰ پلاک محله، دارای دو طبقه باشند؛ حداکثر جمعیت چنین محله‌ای به طور تقریبی برابر با  $۱۶۰ \times ۲ \times ۵$  یعنی ۱۶۰۰ نفر خواهد شد. با توجه به اینکه بیش از نیمی از این جمعیت، مربوط به کودکان و بانوان و کهنسالان و سایر گروه‌هایی است که بنابر متون دینی، از لزوم حضور در مساجد برای فریضه نماز، معاف شده‌اند؛ لذا

بر پایه تحلیل‌های فوق، مدل کلی مطابق با تصویر ۱ برای حدود کالبدی محله متشکل از چهار واحد همسایگی ارائه می‌شود. در این الگو، محله با مرکزیت مسجد ترسیم شده است؛ به گونه‌ای که مطابق با روایات، در هر جهت از چهار جهت اصلی اطراف مسجد، ۴۰ پلاک مسکونی وجود دارد. با توجه به اصل عدالت، ایده مهم دیگر مؤثر بر طراحی این الگو، در نظر گرفتن فاصله تقریباً برابر برای هر واحد همسایگی (شامل ۴۰ پلاک) از مسجد و خدمات محلی (شامل مدارس ابتدایی، مراکز خرید محله‌ای و فضاهای سبز) بوده است. مبرهن است که برای ارتقای اصل تعارف که قبلاً مورد اشاره قرار گرفت؛ لازم است تا نیازهای محلی افراد هر محله (اعم از نیازهایی همچون خرید مایحتاج اولیه و آموزش ابتدایی و غیره) در خود آن محله تأمین شود؛ زیرا این امر سبب حضور حداکثری افراد محله در محله خودشان و عدم مراجعه به سایر محلات و مناطق شهر می‌شود و چنین امری، تعارف و شناخت ساکنان محله از یکدیگر را بیشتر می‌نماید.

در خصوص الگوی ارائه شده، توجه به نکات زیر حائز اهمیت است:

- الگوی ارائه شده و اعدادی که در ادامه، از آن استنباط می‌شود؛ بایستی در چارچوبی منعطف لحاظ گردد تا قابلیت تطبیق با شرایط مختلف جغرافیایی را داشته باشد و لذا این الگو، صرفاً کلیاتی از معماری محله اسلامی را ارائه می‌کند. در هر سمت از وجوه چهارگانه محله، ترکیب متفاوتی از خانه‌ها با مساحت‌های متغیر پیش‌بینی شده است؛ زیرا مبرهن است که خانواده‌های مختلف، هم‌جمعیت نیستند و بنابراین لازم است تا مجموعه متغیری از خانه‌های با مساحت‌های







مذهبی و آموزشی توجه شود). با توجه به توضیحات فوق، شاخصه‌های عددی چنین محله‌ای در جدول ۲ به طور خلاصه ارائه می‌گردد.

مساحت پیشنهادی ۹۰۰ متری برای مسجد، مساحت موجهی به نظر می‌رسد. مساحت پیشنهادی برای مدارس نیز با همین استدلال، موجه به نظر می‌رسد (در این خصوص به استانداردها و سرانه‌های فضاهای

جدول ۲. شاخصه‌های عددی محله مطلوب از منظر اسلامی (مأخذ: نگارندگان)

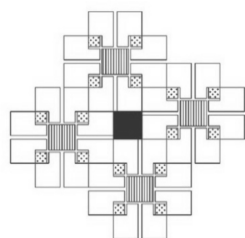
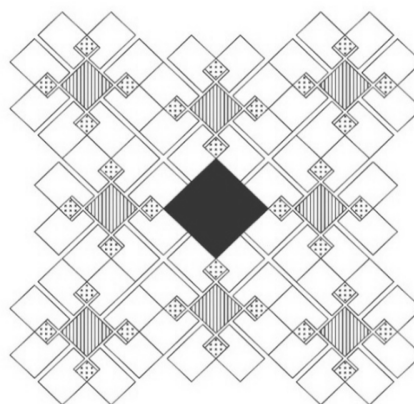
تراکم ناخالص مسکونی	حداکثر جمعیت تقریبی محله	تعداد واحدهای مسکونی	تعداد پلاک‌های مسکونی	حداکثر مساحت تقریبی محله
۸۰ نفر در هکتار	۱۶۰۰ نفر	۳۲۰	۱۶۰	۲۰ هکتار

مدارس متوسطه و غیره می‌شود. سایر خدمات عمومی مورد نیاز محله که مقیاس آنها فرامحلی است بایستی در مقیاس‌های منطقه‌ای و شهری در نظامی سلسله‌مراتبی پیش‌بینی شود.

در مرتبه بعد، مطابق با تصویر ۲، ترکیب محلات بر مبنای الگوی یاد شده، موجب شکل‌گیری نظام هندسی مناسب در مقیاس‌های فرامحلی و تعریف فضاهای مورد نیاز جهت استقرار مساجد منطقه‌ای و خدمات فرامحلی مانند درمانگاه،

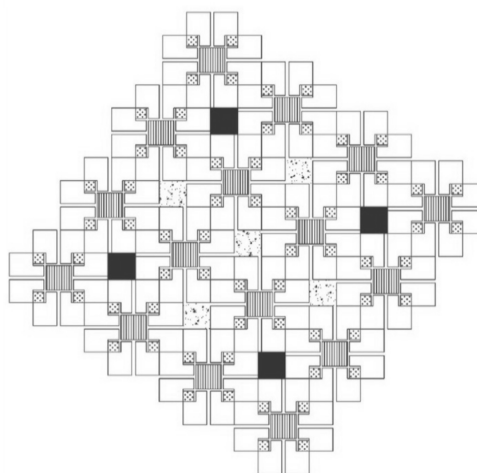
الگوی ترکیب محلات

- مرکز محله
- فضای سبز
- محل استقرار مساجد منطقه‌ای و سایر خدمات فرامحله‌ای



الگوی دوم ترکیب محلات

- مرکز محله
- فضای سبز
- مساجد منطقه‌ای و برخی از خدمات فرامحله‌ای
- سایر خدمات فرامحله‌ای



تصویر ۲. دو نوع الگوی ترکیب محلات بر پایه الگوی پایه معماری محله‌ی مطلوب از منظر اسلامی



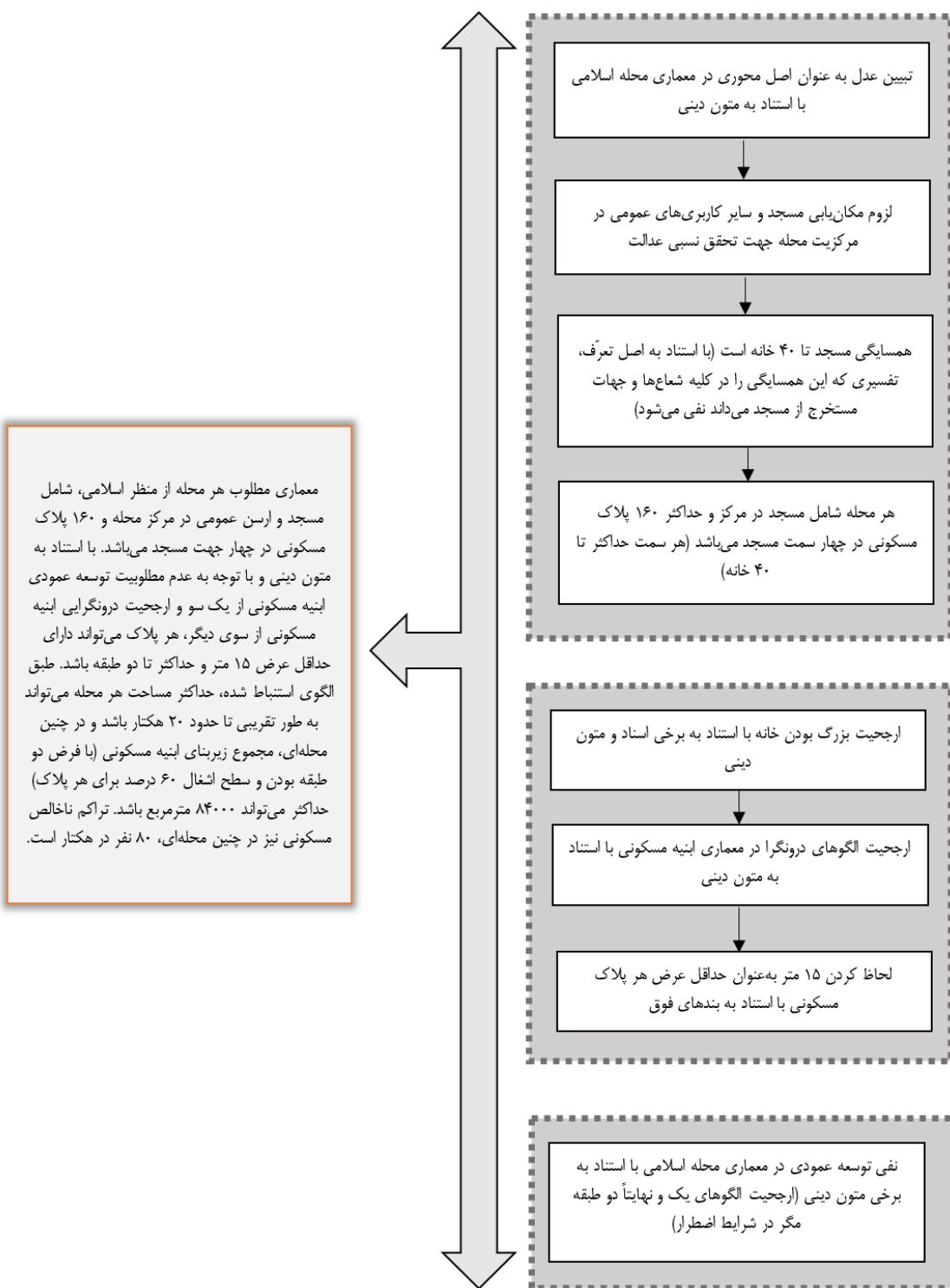
## ۵. نتیجه‌گیری

بر اساس تحلیل‌های ارائه شده و با استناد به متون دینی چنین استنباط شد که حداکثر جمعیت مطلوب محله به طور تقریبی، ۱۶۰۰ نفر و حداکثر مساحت یک محله مطابق با سبک زندگی اسلامی، به طور تقریبی تا حدود ۲۰ هکتار است. تأکید می‌شود که اولاً اعداد مذکور، به صورت تقریبی برآورد شده است (مثلاً می‌توان حداقل عرض هر پلاک مسکونی را به جای ۱۵، ۱۴،۵ و یا ۱۵،۵ متر در نظر گرفت که این امر بر مساحت نهایی محله تأثیرگذار است). اما مبرهن است که رقم نهایی، نمی‌تواند فاصله زیادی با آنچه طی این پژوهش با استناد به متون دینی برآورد شد داشته باشد. ثانیاً

الگوی ارائه شده در این پژوهش، الگویی کلی است که کلیات محله (به لحاظ موقعیت مسجد و نحوه مکان یابی خانه‌ها و غیره) را تبیین نموده است؛ اما جزئیات الگو، تابع اجتهاد تخصصی و ویژگی‌های مکانی هست که این الگو در آن اجرا خواهد شد. لذا با توجه به شرایط متغیر اعتباری و نسبی در موقعیتهای جغرافیایی و زمانی مختلف، جزئیات الگو قابل تغییر و تطبیق با موقعیتی است که در آن اجرا می‌شود.

اعداد ارائه شده در این پژوهش قابلیت تغییر و تدقیق مبتنی بر شرایط مختلف مکانی را دارند. نمودار ۱، کلیات نتایج حاصل از این پژوهش را با استناد به مبانی موثر بر نتایج، تشریح نموده است.

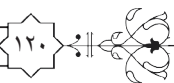




معماری مطلوب هر محله از منظر اسلامی، شامل مسجد و ارسن عمومی در مرکز محله و ۱۶۰ پلاک مسکونی در چهار جهت مسجد می‌باشد. با استناد به متون دینی و با توجه به عدم مطلوبیت توسعه عمودی ابنیه مسکونی از یک سو و ارجحیت درونگرایی ابنیه مسکونی از سوی دیگر، هر پلاک می‌تواند دارای حداقل عرض ۱۵ متر و حداکثر تا دو طبقه باشد. طبق الگوی استنباط شده، حداکثر مساحت هر محله می‌تواند به طور تقریبی تا حدود ۲۰ هکتار باشد و در چنین محله‌ای، مجموع زیربنای ابنیه مسکونی (با فرض دو طبقه بودن و سطح اشغال ۶۰ درصد برای هر پلاک) حداکثر می‌تواند ۸۴۰۰۰ مترمربع باشد. تراکم ناخالص مسکونی نیز در چنین محله‌ای، ۸۰ نفر در هکتار است.

نمودار ۱. کلیات نتایج حاصل با استناد به مبانی موثر بر نتایج (مأخذ: نگارندگان)





### پی‌نوشت

۱. عَلَيْنَا إِقَاءُ الْأُصُولِ وَ عَلَيْنَاكَ التَّفْرِيعُ: بر ما بیان اصول و بر شما استنتاج فروع از اصول است (وسائل الشیعه، ج ۲۷، ۶۲).  
 ۲. در این خصوص می‌توان به روایات مختلف از جمله این روایت امام صادق(ع) اشاره نمود: «أُوْحِيَ إِلَيَّ مِنَ أَنْبِيَائِهِ: قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ لَا يَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِهِمْ وَلَا يَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَعْدَائِهِمْ وَلَا يَسْلُكُوا مَسَالِكَ أَعْدَائِهِمْ فَيَكُونُوا أَعْدَائِهِمْ كَمَا هُمْ أَعْدَائِهِمْ: خداوند به یکی از پیامبران بنی اسرائیل وحی کرد که به مؤمنان بگو لباس دشمنان من (کفار) را نپوشند و غذای دشمنان مرا نخورند و راه و روش‌های دشمنان مرا نپویند که در این صورت آنها نیز -همانند کفار- دشمنان من خواهند شد» (من لایحضره الفقیه، ج ۱، ۲۵۲).

Hakim ۳.

Gazi ۴.

Raesi ۵.

### منابع

۱. قرآن کریم.
۲. پورجعفر، محمدرضا، و علی پورجعفر. ۱۳۹۱. الگوی پیشنهادی محله با مرکزیت مسجد و فضاهای عمومی مورد نیاز در شهرهای ایرانی اسلامی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی (۱۰): ۱۵-۲۴.
۳. پورجعفر، محمدرضا، علی پورجعفر، و سیما صفدری. ۱۳۹۴. انواع شهر اسلامی و اشاراتی به نحوه شاخص‌سازی در راستای شهری آرمانی اسلامی. پژوهش‌های معماری اسلامی ۳ (۸): ۳-۱۹.
۴. جوادی‌آملی، عبدالله. ۱۳۷۵. فلسفه حقوق بشر. قم: مرکز نشر اسراء.
۵. ذوالفقارزاده، حسن، رضا جعفری‌ها، و علی دل‌زنده. ۱۳۹۸. الگوی پیشنهادی معماری محله اسلامی ایرانی بر مبنای مدل نگره‌های زندگی‌ساز حکمت اسلامی. اندیشه معماری ۳ (۵): ۳۳-۵۹.
۶. رئیس، محمدمنان. ۱۳۹۷. معماری و شهرسازی مطابق با سبک زندگی اسلامی (از تشریح وضع مطلوب تا تحلیل وضع موجود). قم: انتشارات دانشگاه قم.
۷. رحیمی، لیلا، و محمد نقی‌زاده. ۱۳۹۵. تجلی عدالت اجتماعی در ساختار شهر اسلامی (محله). هویت شهر ۱۰ (۲۶): ۱۳-۲۰.
۸. ردایی‌آملی، حسین. ۱۳۸۵. نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله). قم: نسیم حیات.
۹. رهنما، محمد رحیم، مهدی وفاپایی، و رضا صمدی. ۱۳۹۵. تجلی هویت اسلامی در طراحی محلات جدید بر اساس مولفه‌های اسلامی (نمونه موردی: محله امامیه غربی مشهد). باغ نظر ۱۳ (۴۱): ۴۷-۵۶.
۱۰. شیخ حرّ عاملی، محمد بن الحسن. ۱۴۰۹ق. وسائل‌الشیعه، جلد ۵. قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام.
۱۱. طریحی، فخرالدین بن محمد. ۱۳۷۵. مجمع‌البحرین، جلد ۴. تصحیح احمد حسینی اشکوری. تهران: مرتضوی.
۱۲. عاملی، جعفر مرتضی. ۱۳۹۱. شهر اسلامی. مشهد: انتشارات بوی شهر بهشت.
۱۳. کشوری، علی. ۱۳۹۵. تأمین نیازهای چهارگانه خانوار در محله به محوریت رفع اصطکاک میان اراده‌ها. تهران: شورای راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۰۷ق. کافی. تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. محدث‌نوری، حسین. ۱۴۰۸ق. مستدرک‌الوسائل و مستنبط‌المسائل. قم: انتشارات مؤسسه آل‌البتیت لأحیاء التراث.
۱۶. نقره‌کار، عبدالحمید، و مهران علی‌الحسابی. ۱۳۹۶. تحقق‌پذیری هویت در معماری و شهرسازی با تأکید بر ارتقای هویت اسلامی-ایرانی در شهرهای جدید. تهران: فکر نو.

### References

1. Holy Quran.
2. Ameli, Jafar Morteza. 2011. *Islamic City. Mashhad: Boo-ye Shahr-e Behesht.*
3. Garsivaz-Gazi, Hamid, Salwa Mikhail, and M.J. Estamboli. 2012. *The Position of Mosques in Islamic Cities and Its Location Design in New Cities. Damascus University Journal 28 (1): 49-67.*
4. Hakim, Besim S. 2012. *Neighborhood Test Design Based on Historic Precedents. Archnet-IJAR: International Journal of Architectural Research 6(2): 135-148.*
5. Javadi Amoli, Abdollah. 1996. *Philosophy of Human Rights. Qom: ESRA.*
6. Keshvari, Ali. 2016. *Meeting The Four Needs of the Family in The Neighborhood with the Focus on Eliminating*



- the Friction between the Wills. Tehran: Strategic Council of the Iranian Islamic Model of Progress.*
7. Kolehini, Mohammad ibn-e Yaghoob. 1987. *Kafi*. Collected by Ali Akbar Ghaffari and Mohammad Akhoondi. Tehran: Dar ol-Kotob al-Eslamiat.
8. Mohaddas Noori, Hossein. 1988. *Mostadrak al-Vasael va Mostanbat al-Masael*. Qom: Aal ol-Beit le-Ehya al-Toras.
9. Noghrekar, Abdolhamid, and Mehran Alalhesabi. 2017. *Feasibility of Identity in Architecture and Urban Planning with Emphasis on Promoting Islamic-Iranian Identity in New Cities*. Tehran: Fekr-e No.
10. Pourjafar Mohammad Reza, and Ali Pourjafar. 2013. *Proposed «Mohallah» With Centrality of Mosque and Public Spaces in Persian-Islamic City*. *Iranian Islamic City* (10): 15- 24.
11. Pourjafar M R, A. Pourjafar, and S. Safdari. 2015. *Various Types of Islamic City and Pointing Out to Defining the Major Aspects of Ideal Islamic City*. *Researches in Islamic Architecture* 3 (8): 3- 19.
12. Radaee Amoli, Hossein. 2006. *Nahjolfasahat*. Qom: Nasim-e Hayat.
13. Raeesi, Mohammad Mannan. 2018. *Architecture and Urban Planning in Accordance with the Islamic Lifestyle (from Describing the Desired Situation to Analyzing the Current Situation)*. Qom: University of Qom.
14. \_\_\_\_\_ . 2019. *Analyzing the Superiority of Introversive Patterns in the Architectural Designing of Residential Buildings based on Quranic Literature*. *Armanshahr Architecture & Urban Development journal* 12 (27): 73-81.
15. Rahimi, Leila, and Mohammad Naghizadeh. 2016. *Manifestation of Social Justice in the Structure of Islamic City (Neighborhood)*. *Hoviatshahr* 10 (26): 13- 20.
16. Rahnama, Mohammad Rahim, Mahdi Vafaei, and Reza Samadi. 2016. *Expression of Islamic Identity in The Design of New Neighborhoods on the Basis of Islamic Components; Case Study: West Emamieh neighborhood of Mashhad*. *Bagh-e Nazar* 13 (41): 47-56.
17. Sheikh Horr Ameli, Mohammad ibn-e al-Hassan. 1989. *Vasael al-Shiat*, 5th Volume. Qom: Aalulbayt.
18. Tarihi, Fakhr al-Din ibn-e Mohammad. 1996. *Majma al-Bahrein*, 4th Volume. Corrected by Ahmad Hosseini Ashkooi. Tehran: Mortazavi.
19. Zolfagharzadeh, Hassan, Reza Jafariha, and Ali Delzende. 2019. *Proposed Model of Iranian- Islamic Neighborhood Architecture Based on Notions of Life and Islamic Wisdom*. *Architectural Thought* 3 (5): 33- 59.







Journal of Research in Islamic Architecture / No.33 / Winter1400

## Explanation the scale and general model of the neighborhood consisting of neighborhood units from Islamic perspective

**Mohammad Mannan Raeesi\***

Associate Professor of Architecture, Faculty of engineering, University of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author)

**Fatemeh Mohammad Ali Nezhad\*\***

Instructor of Architecture department, faculty of civil engineering and Architecture, shahid Chamran university of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Received: 2/5/2021

Accepted: 4/1/2021

### Abstract

One of the important principles of Islamic architecture and urban planning is the neighborhood-centeredness which lack of attention to this important principle has caused various problems in the physical social system of contemporary cities in Iran, including increasing the traffic load of the city due to trans-local traffic and environmental issues resulting from it and so on.

Resolving these issues requires reviving the principle of neighborhood-centeredness in contemporary cities, but the premise of this is to explain what the neighborhood is from Islamic perspective which part of this issue is related to explaining the numerical characteristics of the neighborhood and especially its area.

In this research, using the logical-argumentative research and citing religious texts and sources, an attempt has been made to deduce the optimal pattern of neighborhood architecture based on its maximum desired size from Islamic perspective.

According to the findings of this study, a desirable neighborhood from Islamic perspective is a neighborhood with the center of the mosque with a maximum of 160 houses on four sides of the mosque (up to 40 on each side) and with a maximum area of 200000 square meters.

**Keywords:** Islamic neighborhood, neighborhood-centeredness, numerical characteristics of the neighborhood, religious texts, mosque

